



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسأله ۱۴- تکمله: راههای دیگر جلوگیری از بارداری- (ب) راههایی که موجب عقم می‌شوند-

بررسی ادله حرمت- بررسی دلیل سوم (روایات اخصاء)- دلیل چهارم (اجماع) و بررسی آن

جلسه: ۱۰۴

سال اول

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلیل سوم از ادله حرمت عقیم سازی بود. روایاتی در مورد اخصاء وارد شده که بر طبق آنها از این عمل نهی شده و ظهور در حرمت دارد. تقریب استدلال به این روایات ذکر شد و عرض کردیم برای اینکه ببینیم آیا استدلال به این روایات تمام است یا نه، لازم است که مقدمه‌ای ذکر شود. در آن مقدمه ما اجمالاً درباره عملکرد بیضه در مردان یک توضیحات مختصری را دادیم.

#### ادامه بررسی دلیل سوم (روایات اخصاء)

ما گفتیم دو کار به عنوان کارکردهای بیضه در مردان وجود دارد؛ یکی تولید مثل است به اعتبار اینکه اسپرم در آنجا تولید می‌شود و دوم ایجاد صفات مردانگی و ظهور نشانه‌های رجولیت. وقتی که بیضه‌ها بیرون کشیده می‌شوند، قهراً تولید اسپرم متوقف می‌شود و با توقف تولید اسپرم، آن نشانه‌ها و علائم رجولیت هم قهراً از بین می‌رود.

البته برخی بین اخصاء در دوران کودکی و دوران بزرگسالی فرق گذاشته‌اند. می‌گویند اگر بیضه‌های یک شخص در دوران کودکی بیرون کشیده شود، ضمن اینکه قابلیت تولید مثل در او از بین می‌رود، آن هورمون‌های مردانگی در او رشد نمی‌کند. یعنی تغییر صدا، درآوردن مو بر صورت و آن جنبه‌هایی که به بروز و ظهور رجولیت مربوط می‌شود، از بین می‌رود. اما اگر در بزرگسالی این اتفاق بیفتد، چون نشانه‌های مردانگی آشکار شده و مو بر صورت روییده و صدا تغییر کرده است؛ لذا تأثیر چندانی در این بخش ندارد.

یک مسأله دیگر هم اینجا وجود دارد که آن هم محل اختلاف است و آن اینکه آیا انزال در خصی واقع می‌شود یا نه. این هم محل اختلاف است؛ برخی گفته‌اند با بیرون کشیده شدن بیضه‌ها، مخصوصاً در دوران کودکی که غدد مربوطه هنوز رشد نکرده، دیگر توانایی بر انزال هم از بین می‌رود. چون کیسه‌های منی ساز از اجزایی است که با آن جنبه‌های مردانگی ارتباط دارد. برخی این چنین گفته‌اند که اگر در دوران کودکی این اتفاق بیفتد، ناتوانی بر انزال هم صورت می‌گیرد ولی اگر در دوران بزرگسالی خصی شود، کمتر به ناتوانی بر انزال می‌انجامد. چون رشد غدد مربوطه تقریباً در دوران بعد از بلوغ طی چند سال کامل می‌شود.

علی‌ای حال این قطعی است که بالاخره اسپرم با بیرون کشیده شدن بیضه‌ها، دیگر راهی ندارد که تولید شود و بعد از طریق لوله‌ها به کیسه‌های منی ساز منتقل شود و از آنجا هم به سمت خروج از مجرای ادرار. در وجاء هم که گفتیم کوبیدن بیضه

و یا کوبیدن رگ‌هایی است که به بیضه مربوط می‌شوند و تولید اسپرم می‌کنند، همین اتفاق می‌افتد و اسپرم از بین می‌رود. اگر کیسه‌های منی ساز تولید منی کنند و این منی هم بر فرض همراه با شهوت خارج شود، ولی دیگر امکان تولید مثل نیست؛ گرچه خود توانایی بر انزال هم در مورد خصاء و وجاء محل اختلاف است.

### بررسی دلیل

قدر مسلم این است که در این روایات خصاء حرام دانسته شده است. ولی اینکه ملاک حرمت چیست، به روشنی بیان نشده است. اینکه در کودکی یا بزرگسالی فرقی بین حرمت باشد، هم بیان نشده است. گرچه موارد این روایات همه مربوط به بزرگسالان است ولی پاسخی که رسول خدا(ص) داده‌اند اطلاق دارد. ظاهر این روایات حرمت مطلق خصاء است. محتمل است حرمت به این جهت باشد که در یک عضوی از اعضای بدن انسان نقص ایجاد شده است؛ یعنی نقیصی در بدن ایجاد شده و عضوی از بدن خارج شده یا آسیبی به بدن رسیده و محتمل است به این جهت باشد که امکان تولید مثل از بین رفته است. به هر حال اینها در این روایات بیان نشده است.

مهم این است که می‌خواهیم ببینیم آیا ما در مورد عقیم سازی به روش جاری در این زمان می‌توانیم به این روایات استناد کنیم و حکم حرمت را استفاده کنیم؟

لقائل أن يقول چون این روایات خصی کردن یا اخته کردن را حرام کرده و این به دلیل عقیم شدن مرد بوده، پس در مانحن فیه هم می‌گوییم حرام است چون بستن لوله مردان و بستن لوله زنان موجب عقم می‌شود و به همین دلیل هم حرام است. اما پاسخی که به این استدلال ممکن است داده شود، تقریباً شبیه آن چیزی است که در گذشته مطرح شد و آن اینکه بین خصاء و بستن لوله‌ها فرق است. خصاء یعنی یک کاری که نه تنها امکان تولید مثل را از بین می‌برد بلکه خصوصیات مردانگی را زایل می‌کند. یعنی به طور کلی آن رغبت و میلی که به زنان وجود دارد، را از بین می‌برد یا کم می‌کند. شاهد بر این مدعا آن است که در گذشته افرادی را اخته می‌کردند تا آنها را به خدمت در خانه‌ها و حرمسراها بگمارند. شاهد دیگر هم این که برخی از مفسران در ذیل آیه ۳۱ سوره نور: «غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» (یعنی مردانی که به زنان رغبت ندارند)؛ خصی را از جمله مصادیق غیر اُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ قرار داده‌اند. یعنی گفته‌اند آن مردانی که رغبت به زنان ندارند از جمله خصی.

این نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های خصی این است که شهوت و میل و رغبت به زن در او یا به کلی از بین رفته یا بسیار ناچیز است و خطر ندارد. اما این در مورد عقیم صادق نیست؛ در عقیم یعنی کسی که لوله‌ها را می‌بندد، خصوصیات و ویژگی‌های مردان که از جمله آنها رغبت به زنان است، از بین نمی‌رود. کسی که لوله‌ها را می‌بندد تنها قابلیت تولید مثل در او از بین می‌رود و الا میل به زنان و امکان مقاربت و مباشرت و مجامعت، در او باقی است و هیچ فرقی ایجاد نمی‌شود. بله، طبق برخی از گزارشات در درصدی از مردان تا حدی این تمایل کاهش پیدا می‌کند ولی اینطور نیست که اصلاً رغبت به زنان در این روش از بین برود.

لذا با این مقدمه‌ای که بیان کردیم بین خصاء و وجاء و بین عقیم سازی به روش بستن لوله‌ها فرق است. اگر در این روایات از خصاء منع کرده‌اند، با توجه به این عوارضی که به دنبال دارد، این دلیل نمی‌شود که ما همین حکم را در مورد عقیم

سازی هم جاری کنیم. چون اساساً نتیجه خصاء و نتیجه کارهایی مثل وازکتومی و توبکتومی، با هم متفاوت است. لعل منع از خصاء در این روایات به واسطه آن عوارض و ضررهای شدیدی است که در این مسأله وجود دارد و این ضررها در بستن لوله مشاهده نمی‌شود.

سؤال:

استاد: بحث این است که شما از کجای این روایت استفاده می‌کنید که این منع به خاطر عقم است؟ مستدل می‌خواهد از این روایات حرمت عقیم سازی و بستن لوله‌ها را استفاده کند. عرض ما این است که این روایات این را نمی‌رساند.

سؤال:

استاد: البته بین فقها اختلاف است که آیا اساساً نعوظ، انزال و رغبت در خصی وجود دارد یا نه. ظاهراً یک فرقی بین اینکه این کار در خردسالی و کودکی انجام شود و یا بزرگسالی، وجود دارد ولی مسلماً در هر دو حالت - چه در بزرگسالی و چه در کودکی - این تمایل جنسی و این میل و رغبت در او به شدت ضعیف می‌شود یا از بین می‌رود. در حالی که در این روشی که الان محل بحث ماست، این اتفاق نمی‌افتد. لذا با این روایات نمی‌توانیم حرمت عقیم سازی را استفاده کنیم.

سؤال:

استاد: ظاهر کلام عثمان بن مظعون این بوده که هدف او این نبوده که خودش را عقیم کند بلکه هدف او این بوده که رغبت به این مسأله را در خودش از بین ببرد یا کم کند. حضرت در پاسخ به او فرمودند روزه بگیر. اما اینکه تنها دلیل منع از خصاء این باشد، این از روایت استفاده نمی‌شود. حضرت منع کرده‌اند، اما از این انحصار استفاده نمی‌شود.

به هر حال اگر کسی دلالت این روایات را بر حرمت عقم بپذیرد و بگوید این روایات از عقیم شدن منع می‌کند، دیگر بین اینکه این کار با بیرون کشیدن بیضه انجام شود یا با بستن لوله، فرقی وجود ندارد. ولی واقع مطلب این است که از این روایات حرمت عقیم سازی به نحو مطلق استفاده نمی‌شود.

#### **دلیل چهارم (اجماع)**

دلیل چهارم بر حرمت که برخی آن را ذکر کرده‌اند، اجماع است. ادعا شده که ما اجماع داریم بر حرمت عقیم سازی یا به تعبیر دیگر حرمت خصاء؛ یا اجماع داریم بر حرمت نقص عضو. دو ادعای اجماع در اینجا مطرح شده؛ یکی ادعای اجماع شده بر حرمت ناقص کردن عضوی از اعضای بدن و یکی هم حرمت عقیم سازی، اخته کردن و خصاء.

تقریر اول: کسانی که ادعا می‌کنند که ما اجماع داریم بر حرمت ناقص کردن عضو، می‌گویند کسی که لوله‌هایش را ببندد، در خودش یک نقصی ایجاد می‌کند و این نقص عضو است و اجماع شامل اینجا می‌شود.

تقریر دوم: اجماع داریم بر حرمت اخصاء. می‌گویند عقیم سازی یک مصداقی از مصادیق اخصاء است. پس چه مجمع علیه حرمت نقص عضو باشد و چه حرمت اخصاء، شامل عقیم سازی و بستن لوله‌ها هم می‌شود و لذا این مسأله اساساً اجماعی است.

#### **بررسی دلیل چهارم**

در مورد کبرای این مسأله بعید نیست که آن را بپذیریم، یعنی به عنوان اولی نقص عضو حرام است اجماعاً. کسی بدون وجه بخواهد دست یا پای خودش را قطع کند، این مثله کردن است و مثله کردن حرام است. همچنین بعید نیست که بگوییم

خصاء هم اجماعاً حرام است و شاید در بین شیعه و سنی یک اتفاقی وجود دارد بر اینکه اخصاء حرام است. اما عمده این است که ببینیم آیا این مورد - یعنی عقیم سازی و بستن لوله در مردان و زنان - از صغریات نقص عضو یا صغریات اخصاء محسوب می‌شود یا نه. به عبارت دیگر مانحن فیه در معقد این دو اجماع داخل هست یا نیست.

بررسی تقریر اول: در مورد اجماع ادعایی در مورد اول، آیا اگر کسی لوله‌هایش را ببندد نقص عضو شده است؟ این چیزی را از بین نبرده و چیزی را خارج نکرده است. این با خصاء فرق می‌کند؛ در آنجا بیضه‌ها را بیرون می‌کشند یا رگی را می‌کوبد و از بین می‌برد. اما اینجا تنها ارتباط بین بیضه و کیسه‌های منی ساز را قطع می‌کند و لوله را می‌بندد. یا در مورد زنان لوله‌هایی که از طریق تخمدان تخمک‌ها را به رحم می‌برد، آنها را می‌بندد.

حال آیا این از مصادیق نقص عضو محسوب می‌شود؟ اینکه چیزی را از بین نبرده یا خارج نکرده است. بله، در کارکرد این اعضا یک خللی ایجاد کرده و به قول معروف گردش کار این قسمت از بدن را به هم ریخته است، لذا ممکن است گفته شود نقص عضو لزوماً به معنای بریدن و بیرون کشیدن و قطع کردن نیست. همین که یک عضوی از اعضای بدن عملکرد و کارایی طبیعی خودش را نداشته باشد، این کافی است برای اینکه بگوییم عنوان نقص عضو صدق می‌کند. مثلاً اگر اعصاب دست انسان قطع شود که این دست حس نداشته باشد و نتواند چیزی را جابه‌جا کند، نقص عضو محسوب می‌شود هر چند دست قطع نشده است.

سؤال:

استاد: بله، گاهی بعضی از اعضای بدن انسان یک خلل و ایرادی در کوتاه مدت در آنها ایجاد می‌شود ولی این موقت است و دائمی نیست.

اینجا هم بحث در این است که بالاخره درست است چیزی قطع نمی‌شود و بیضه بیرون کشیده نمی‌شود ولی کارایی آن را از بین می‌برد.

این هم قابل پاسخ است که کارایی آن به کلی از بین نمی‌رود و تنها در یک بخش از کارایی آن اختلال ایجاد می‌شود. یعنی تولید اسپرم و ورود اسپرم به کیسه‌های منی ساز را قطع می‌کند و در آن اختلال ایجاد می‌کند؛ اما آن هورمون‌های مردانگی و خصوصیات و صفات مردانگی از بین نمی‌رود. لذا نقص عضو به معنای اینکه به طور کلی مانع کارکرد این دستگاه شود، به نظر می‌رسد که این چنین نیست.

پس در مورد اول این صغری محل تردید است؛ یعنی عقیم سازی و بستن لوله‌ها مصداق نقص عضو، یا می‌توانیم بگوییم نیست یا حداقل در آن شبهه وجود دارد که مصداق نقص عضو باشد. همین قدر در عدم استناد به این اجماع کفایت می‌کند. بررسی تقریر دوم: اما اینکه این ملحق به اخصاء شود و داخل در معقد اجماع بر حرمت اخصاء شود، این هم محل اشکال است. چون اجماع در بین ادله دلیل لبی است و در دلیل لبی باید به قدر متیقن اخذ شود. اینجا صریحاً معقد اجماع بیان شده؛ اخصاء به عنوان یک عمل غیر مشروع در بین فقها شناخته شده اما از کجا معلوم که این روش هم داخل در معقد اجماع آنهاست. عقیم سازی مطلقاً معلوم نیست که داخل در معقد اجماع باشد.

با توجه به آنچه که ما پیرامون این ادله چهارگانه گفتیم، بالاخره این چهار دلیل بر حرمت را در اینجا مورد بررسی قرار دادیم. حالا وقت جمع بندی است که به طور کلی این چهار دلیل بر حرمت اقامه شده و نسبت به اینها اجمالاً ملاحظه فرمودید که یک اشکالاتی هم وجود دارد اما نتیجه نهایی چیست؟ إن شاء الله در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«والحمد لله رب العالمین»